گزارش «جوان» از قسمت اول کنکور ۱۴۰۳ که برگزار شد

یک بار دیگر کنکور ویرانگر!

تنها حریف مافیای کنکور، آینده مبهم است

گزارش یک
مهسا گربندی

وحید خادمی | ایرنا

و باز هم کنکور! این غول بی‌شاخ و بی‌دم انگار قرار نیست بمیرد. هر سال با مصوبات عجیب و غریب، جان تازه‌ای هم می‌گیرد. حالا چند وقتی می‌شود که این کنکور، سالی دو بار صدها هزار قربانی می‌گیرد؛ خب فربه‌تر هم می‌شود! مافیای هزار توی این غول بی‌شاخ و بی‌دم یک‌بار در هفته‌های منتهی به بهار و یک بار هم در هفته‌های منتهی به تابستان، میلیاردها تومان پول می‌بلعد و یک دوغ گازدار هم رویش! داوطلبان بیچاره هم که دیگر چاره‌ای جز کنکور دادن ندارند، اعتراض خود را به شیوه‌های دیگری بروز می‌دهند؛ یا ثبت‌نام می‌کنند و سر جلسه حاضر نمی‌شوند، یا سر جلسه حاضر می‌شوند و انتخاب رشته نمی‌کنند، یا انتخاب رشته هم می‌کنند و به دانشگاه نمی‌روند! این بلبشوی ناتمام، حالا حواشی به روز شده و دیگری هم دارد.

نوبت اول کنکور ۱۴۰۳ در حالی با فراز و نشیب‌های بسیار تمام شد که هنوز مشخص نیست چه تعداد از حاضران در این آزمون آینده خود را روشن می‌دانند. تنها دو، سه ساعت کافی بود تا دانش‌آموزانی که ۱۲ سال به امید تحصیل در یک رشته مناسب دانشگاهی جهت آینده‌ای متفاوت پشت میز کنکور نشسته‌بودند، دریابند رسیدن به یک آینده روشن همراه با تحصیلات عالیه اصلاً شبیه آن چیزی نبود که تصور می‌کردند. سختی راه، بسیاری را در همان گام نخست دلزده کرد. شاید به همین دلیل است که هر ساله تعداد زیادی از متقاضیان بعد از عبور از غول کنکور قید تعیین رشته را هم می‌زنند و مسیر دیگری برای خود باز می‌کنند.

سال‌هاست که وعده حذف کنکور، زندگی دانش‌آموزان را متلاطم کرده، خصوصاً قشر ضعیف که آینده خود را در تحصیلات عالیه دانشگاهی می‌بینند، اما مافیای کنکور سال‌هاست بسیاری از آنها را زیر پای خود له می‌کند. حال آنکه قشر متوسط و قوی به دلیل آموزش‌های با کیفیت بالا یا فرصت حضور در کلاس‌های متعدد ضربه کمتری در این خصوص می‌خورند. هر چند که در بین این قشر نیز بسیاری به کسب و کار خانوادگی می‌پردازند و تحصیلات دانشگاهی برای آنها تنها به معنای داشتن مدرک است و بس، که بدون داشتن این مدرک هم آینده مبهم و تاریکی را پیش روی خود نمی‌بینند. ضمن اینکه افراد متمول شرایط حضور در دانشگاه‌های مطرح را هم دارند.

به نظر می‌رسد بسیاری از داوطلبان خصوصاً کنکور اولی‌ها به رغم مشاهده تجربیات تلخ دیگران همچنان با امید به آینده اقدام به ثبت‌نام می‌کنند، اما پرواضح است که امید بسیاری از آنها حتی قبل از نشستن پشت میز کنکور و دست گرفتن برگه‌های این آزمون دشوار ناامید می‌شود. ریزش پلکانی متقاضیان از ثبت‌نام تا حضور در دانشگاه هیچ توجیه منطقی دیگری نمی‌تواند داشته باشد، جز اینکه دیگر کنکور برای داوطلبان به معنی رسیدن به آینده بهتر نیست.

■ نوبت اول کنکور به پایان رسید

نوبت اول آزمون سراسری ۱۴۰۳ برای داوطلبان چهار گروه‌آزمایشی علوم ریاضی، فنی و علوم انسانی، زبان‌های خارجی و هنر روز گذشته پنج‌شنبه ۶ اردیبهشت ماه جاری در دو نوبت صبح و عصر برگزار شد.

دومین و آخرین روز نوبت دوم کنکور نیز با شرکت بیش از نیم میلیون (۵۰۱ هزار) داوطلب در گروه آزمایشی علوم تجربی از ساعت ۸ صبح جمعه ۷ اردیبهشت ماه در ۴۱۲ شهر، ۶۲۴ حوزه اصلی و هزارو ۹۹۳ حوزه فرعی آغاز و تا ظهر ادامه داشت.

در این آزمون در مجموع یک میلیون و ۱۵۲ هزار و ۵۱۸ داوطلب ثبت‌نام کرده‌اند که ۶۳ درصد آنها زن و ۳۷ درصد مرد هستند. در آزمون اختصاصی پذیرش دانشجو-معلم نیز ۶۶۰ هزار و ۳۹۳ نفر ثبت‌نام کرده‌اند که از این تعداد ۶۶ درصد زن و ۳۴ درصد مرد هستند.

گروه علوم تجربی با بیش از ۵۰۱ هزار داوطلب و گروه علوم ریاضی با بیش از ۱۲۸ هزار داوطلب بیشترین و کمترین تعداد داوطلبان در میان گروه‌های آزمایشی اصلی را به خود اختصاص داده‌اند.

■ مافیای قدرتمند

بسیاری طی سال‌های گذشته با دلایل منطقی یا گاهی غیرمنطقی سعی داشتند با کنار زدن غول کنکور شرایط تحصیلات دانشگاهی را برای عموم آینده‌سازان کشور مهیا کنند، اما مافیای کنکور قدرتمندتر از آن بود که زور کسی یا حتی ارگانی به آن برسد، اما امروز شاهد آن هستیم که اطمینان نداشتن از آینده‌ای روشن، به حریف قدرتمندی برای مافیای کنکور تبدیل شده‌است.

بسیاری خیلی زود تکلیفشان را با خودشان یکسره می‌کنند، یعنی تنها استرس گام نخست را به جان می‌خرند و بعد از گرفتن کارت، قید ادامه کار را می‌زنند. تصمیمی که هم خود شخص و هم خانواده و اطرافیانش را از یک استرس سخت دور می‌کند. استرسی که طی دو روز گذشته می‌شد به وضوح در چهره خانواده‌هایی دید که پشت در محل برگزاری آزمون مستقر شده‌بودند.

اما به‌زعم برخی کارشناسان تلخ‌ترین تصمیم را آنهایی می‌گیرند که در مرحله اول آزمون شرکت کردند، اما خیلی زود متوجه می‌شوند در رقابت با آنها که در مدارس غیرانتفاعی و تیزهوشان درس خواندند کوچک‌ترین شانسی ندارند. یا اگر هم داشته‌باشند آنقدر کم است که ارزش تحمل ادامه این استرس و تنش را ندارد. این عده گویی با دنیای متفاوت بعد از کنکور آشنا می‌شوند، دنیایی که رسماً آنها را پس می‌زند، به همین دلیل ضربه‌ای که این عده می‌خورند به مراتب بیشتر از آنهایی است که قبل از ثبت‌نام یا بعد از گرفتن کارت قید کنکور و دانشگاه رفتن را می‌زنند.

■ دستگیری متقلبان

برگزاری کنکور اما حواشی دیگری نیز به دنبال داشت، مثل تقلب. بر اساس اعلام محمدحسین حاجیلو، رئیس شورای حفاظت آزمون سراسری با اعلام اینکه داوطلبانی به تعداد کمتر از انگشتان دست که در آزمون‌های پنج‌شنبه ابزار ممنوعه به همراه داشتند، شناسایی شدند، گفت: «یکی از این داوطلبان که در دقایق ابتدایی آزمون اقدام به تهیه یک صفحه عکس از دفترچه کرده‌بود، پس از پنج دقیقه دستگیر شد و پس از آن هم سه نفر در دو شهرستان متفاوت ابزار ممنوعه به همراه داشتند که قبل از هرگونه اقدامی بلافاصله دستگیر شدند و هر چهار نفر به منظور شناسایی سرشبکه‌های مجرم و کلاهبردار تحویل مراجع انتظامی شده‌اند و قطعاً سازمان سنجش آموزش کشور به عنوان شاکی پیگرد قضایی متخلفان را دنبال خواهد کرد.»

■ محرومیت یک تا ۱۰ سال از تحصیل در انتظار داوطلبان متخلف

تقلب در کنکور و دستگیری چند نفر از داوطلبان کنکور این شائبه را ایجاد کرده که آیا تقلب‌های دیگری هم صورت گرفته که از چشم مسئولان دور مانده‌باشد. همچنین سؤال دیگری که مطرح شده این است که چه مجازاتی برای این متخلفان درنظر گرفته می‌شود. در این رابطه عبدالرسول پورعباس، رئیس سازمان سنجش کشور گفت: «امسال چهار مورد تخلف در آزمون سراسری از سوی داوطلبان گزارش شده، سال گذشته این رقم حدود هزار مورد بود، امسال با استفاده از تجهیزات ضریب تخلفات کاهش داشته‌است. بسته به میزان تخلف داوطلبان بین یک تا ۱۰ سال از تحصیل محروم خواهند شد و کسانی که داوطلب نیستند، علاوه بر جریمه نقدی از سوی مقامات قضایی بین یک تا پنج سال زندان مواجه خواهند شد.»

■ برگزاری مجدد کنکور برای سیل‌زده‌ها

یکی دیگر از موضوعات پیش آمده در برگزاری کنکور نوبت اول، وقوع سیل بود که اجازه حضور تعدادی از داوطلبان را در محل برگزاری آزمون نداد. روز گذشته، پورعباس به دانشگاه امیرکبیر رفت و تأکید کرد؛ آزمون دیروز با موفقیت برگزار شد، با وجود تلاش ارتش و نیروهای مسلح برای ایجاد شرایط به منظور حضور داوطلبان در حوزه آزمون، حدود ۵۰ نفر از داوطلبان از شهرستان زیرکوه و حاجی آباد از توابع خراسان جنوبی به دلیل سیل از آزمون جا ماندند، اما این نوید را به داوطلبان استان خراسان جنوبی و حاجی‌آباد خواهم داد که آزمون اختصاصی فرهنگیان و سراسری را ظرف دو هفته آینده برگزار خواهیم کرد.

■ آرزوی برگزاری کنکوری عادلانه

قرار بود کنکور فرصتی باشد برای دستیابی آینده بهتر. این همان دلیلی بود که دانش‌آموزان را ترغیب به تحصیل می‌کرد. خصوصاً قشر ضعیف جامعه که تنها راه نجاتشان را در تحصیل می‌دیدند، اما تبعیض‌ها حتی کنکور را هم شامل شد و حالا، این غول بی‌شاخ و دم را تنها کسانی می‌توانند از سد راه کنار بزنند که توانش را داشته‌باشند. کیست که نداند این توان تنها توان مالی است و بس.

حال آنکه اگر کنکور عادلانه برگزار می‌شد، قطعاً به نفع طبقات پایین و حتی جامعه بود، چراکه قشر متمول می‌تواند به راحتی و حتی بدون کنکور گلیم خود را از آب بیرون بکشد، اما قشر ضعیف تنها شانسش کنکور است. حال کار سختی نیست تصور جامعه‌ای که قشر ضعیف آن فرصت تحصیل را نداشته‌باشد، جامعه‌ای که بی‌تردید بزه و هرج و مرج می‌تواند حرف اول را در آن بزند؛ چراکه فرصت تحصیل از آینده‌سازانش خواسته یا ناخواسته گرفته‌شده‌است؛ فرصتی که تنها عده‌ای به دلیل داشتن توان مالی خوب، می‌توانند از آن بهره ببرند و چه بسا در این بین استعدادها و توانایی‌های بسیاری که می‌توانست به واسطه عبور از کنکور و رسیدن به صندلی‌های دانشگاه شکوفا شوند قبل از شکوفایی پرپر شود؛ اتفاقی که دود آن به طور مستقیم به چشم جامعه و کشور می‌رود، این بار اما بدون تبعیض، چراکه این‌بار فقیر و غنی با هم ضربه می‌خورند و این نتیجه یک روند نادرست شاید فقط در طراحی سؤالات کنکور باشد.

گزارش ۲
زهرا چیذری

پزشکی به شرط کسب درآمد

کنکور تجربی در حالی همچنان پرمتقاضی‌ترین بخش آزمون سراسری است که چهره‌های نظام سلامت با اشاره به خالی ماندن ظرفیت در رشته‌های کم‌درآمد نسبت به آینده پزشکی کشور نگرانند

دومین و آخرین روز نوبت دوم کنکور ۱۴۰۳ با شرکت بیش از نیم میلیون داوطلب در گروه آزمایشی علوم تجربی برگزار شد تا پرونده کنکور امسال بسته شود. نکته قابل تأمل اینکه در همین روزها و در شرایطی که گروه علوم تجربی با بیش از ۵۰۱ هزار داوطلب بیشترین تعداد داوطلب را در کنکور ۱۴۰۳ به خودش اختصاص داده و همچنان پرمتقاضی‌ترین گروه در میان گروه‌های آموزشی آزمون ورودی دانشگاه‌ها به شمار می‌رود، رئیس سازمان نظام پزشکی یک‌بار دیگر از خالی ماندن ظرفیت‌های پزشکی در رشته‌های قلب و عروق ابراز نگرانی کرد. نامعادله پر متقاضی‌ترین گرایش در کنکور ورودی به دانشگاه و خالی ماندن صندلی‌ها در تحصیلات تکمیلی و آزمون دستیاری پزشکی در کنار انصراف چیزی نزدیک به نیمی از پزشکان عمومی از طبابت و روی آوردن به مشاغل دیگر موضوعی است که ریشه‌یابی آن می‌تواند راه‌حل آن را در دسترس‌تر کند.

ماجرای خالی ماندن برخی از رشته‌های پزشکی در دوره دستیاری و نگرانی از آینده پزشکی کشور موضوعی است که مدت‌هاست به دغدغه‌ای جدی تبدیل شده‌است. در حالی که در چنین روزهایی می‌توان به عینه شاهد سر و دست شکستن دانش‌آموزان و والدین آنها برای شرکت در کنکور تجربی و ورود به رشته پزشکی است، اما پس از ورود به دانشگاه و فارغ‌التحصیلی از این رشته و برای ادامه تحصیل در دوره تخصص به یکباره همه چیز تغییر می‌کند. این سر و دست شکستن‌ها اگرچه برای رشته‌های پول‌سازی همچون جراحی پلاستیک و ترمیمی ادامه دارد، اما رشته‌های پرریسک‌تر مانند کودکان، قلب یا بیهوشی جزو رشته‌هایی هستند که اقبالی به آنها نیست و چند سالی می‌شود صندلی‌های این رشته‌ها خالی می‌ماند. ماجرا به گونه‌ای پیش رفته که کم‌کم این نگرانی به شکل جدی‌تر مطرح می‌شود که قرار است آینده پزشکی کشورمان به کجا برسد؟!

■ وقتی همه نگرانند

«گرایش به پزشکی در حال رنگ باختن است. باید نگران آینده پزشکی باشیم.» این جمله‌ای است که ایرج فاضل، رئیس جامعه جراحان ایران می‌گوید. الان در برخی رشته‌های مهم و حیاتی مثل جراحی عروق، جراحی کودکان، حتی یک داوطلب برای تحصیل نداریم. انگیزه‌ای نیز برای ورود به رشته‌های پر زحمت و طولانی‌مدت وجود ندارد، ولی برعکس در رشته‌هایی مانند جراحی پلاستیک و امثال آن داوطلبان فراوانی وجود دارد.

رئیس جامعه جراحان ایران با بیان اینکه باید شرایط تشویق‌کننده باشد تا انگیزه کافی با امکانات تشویقی برای ورود پزشکان به رشته‌های تخصصی پر زحمت و طولانی‌مدت برقرار شود، می‌افزاید: «باید برای افرادی که بخش عمده‌ای از عمر خود را صرف تحصیل یک دوره تخصصی دشوار و طولانی می‌کنند، انگیزه‌های قوی ایجاد کرد؛ وقتی وضعیت معیشتی و زندگی نسل فعلی پزشکان مطلوب باشد، این یک انگیزه خوب و اثرگذار برای جذب و ماندگاری پزشکان جوان خواهد بود. باید سیاستگذاری‌ها طوری برنامه‌ریزی شود تا جامعه از این بابت صدمه نبیند.»

■ خالی ماندن مجدد صندلی‌های تخصص قلب

محمد رئیس‌زاده، رئیس کل سازمان نظام پزشکی ایران هم در سخنرانی‌اش در کنگره مشترک قلب و عروق ایران از خالی ماندن ظرفیت‌های پزشکی در رشته‌های قلب و عروق ابراز نگرانی کرد.

به گفته رئیس کل سازمان نظام پزشکی ایران به رغم وجود ۱۰۰ هزار پزشک عمومی در کشور، ظرفیت برخی رشته‌های تخصصی در حد زیر ۴۰ درصد پر می‌شود. امسال در رشته مهم جراحی قلب و عروق حدود ۳۰ درصد ظرفیت تربیت نیروی جراح قلب در کشور پر شد، در جراحی قلب اطفال اوضاع به مراتب نگران‌کننده‌تر است، در جراحی عروق تقریباً به عدد صفر نزدیک شده‌ایم، در رشته بیهوشی ۲۰ درصد، در رشته اطفال ۳۶ درصد، در طب اورژانس زیر ۵ درصد ظرفیت‌ها پر شده‌است.

وی با بیان اینکه مهاجرت شغلی و جغرافیایی هشدارها را به صدا در آورده است، افزود: «بی‌توجهی مفرط به اقتصاد سلامت و کاهش سهم سلامت از تولید ناخالص داخلی، به ادامه خدمات در بخش دولتی و خصوصی آسیب‌های جدی وارد کرده‌است.»

از نگاه رئیس‌زاده دلیل این کم‌اقبالی به رشته‌های پزشکی عدم اجرای قوانین بالادستی از جمله اجرای سیاست‌های کلی سلامت ابلاغی رهبری، عدم به روزرسانی قوانین قدیمی مثل طرح ضریب K، مداخلات غیرتخصصی خلاف قانون، وضعیت نیروی انسانی حوزه سلامت و زنجیره تربیت نیروی متخصص در نظام سلامت کشور را از هم گسسته است.

■ پزشکی به شرط درآمد

تا اینجای کار به نظر می‌رسد ماجرای کم اقبالی به پزشکی در برخی از رشته‌های تخصصی خلاصه شود. به طور خاص رشته‌هایی که چندان پردرآمد نیستند. درست شبیه رشته اطفال یا بیهوشی و حتی رشته قلب. ماجرا به قدری جدی است که گزارش‌هایی از روی آوردن برخی متخصصان قلب به تزریق ژل و بوتاکس حکایت دارد! ماجرایی که اثبات می‌کند یکی از اصلی‌ترین دلایل کم‌اقبالی به برخی رشته‌های تحصیلی مسائل مالی و آلوده‌شدن دامن پاک طبابت به انگیزه‌های مالی است، به گونه‌ای که این ماجرا توانسته آموزش پزشکی را هم تحت‌تأثیر قرار دهد.

حکایت کم‌اقبالی به پزشکی و طبابت اما به تخصص خلاصه نمی‌شود و پزشکان عمومی یعنی همان گروهی که برای دکتر شدن در سال‌های کنکور سر و دست می‌شکاندند و تمام هم و غمشان را برای قبول‌شدن در کنکور گذاشته‌اند.

آنطور که بابک پورقلیچ، پزشک عمومی و رئیس دفتر تهران انجمن پزشکان عمومی بر اساس آمار سازمان نظام پزشکی، بیش از ۹۵ هزار پزشک عمومی در کشور داریم که ۴۰ تا ۴۵ هزار نفر از آنها مشغول طبابت هستند و بقیه یا دیگر طبابت نمی‌کنند و همان‌طور که گفتم، به مشاغل دیگر رو آورده‌اند یا خیلی از آنها هم از کشور مهاجرت کرده‌اند.

از نگاه وی پزشک عمومی در کشورهای دیگر جایگاه والایی دارد و مردم جایگاه او را قبول دارند. در ایران اما تعریف نشده که پزشک عمومی چکاره است.

به همین خاطر هم در ایران - به‌خصوص در شهرهای بزرگ - اگر فردی بیمار شود، در بسیاری از موارد برای ویزیت نزد پزشک عمومی نمی‌رود و مستقیم سراغ متخصص و فوق‌تخصص می‌رود. در حالی که طبق سیستم ارجاع، شما اول باید نزد پزشک عمومی بروید و او تشخیص دهد که لازم است پیش متخصص بروید یا نه؟

■ چرخه معیوب

شاید اگر پزشک خانواده و نظام ارجاع اجرایی می‌شد، بخشی از این چالش‌ها در کشورمان حل‌شده و بهتر می‌شد نظام سلامت را مدیریت کرد. بدین معنا که مردم در سطح اول به پزشکان عمومی مراجعه می‌کردند و در سطوح بعدی با واقعی‌شدن یا همان افزایش تعرفه‌ها فقط کسانی راهی مطب متخصصان می‌شدند که واقعاً به درمان‌های تخصصی نیاز دارند و از همه مهم‌تر بیمه‌ها هم پای کار می‌آمدند. این چرخه اما معیوب است. به همین‌خاطر هم خانواده‌ها با تصور پول‌سازی و آینده‌دار بودن و منزلت اجتماعی پزشکان اصرار دارند فرزندانشان در رشته‌های پزشکی درس بخوانند و همچنان کنکور تجربی پرمتقاضی‌ترین رشته کنکور است. رشته‌ای پر متقاضی که شاید همیشه آن درآمد رؤیایی مدنظر بچه‌ها و خانواده‌ها را نداشته‌باشد!

یادداشت

حجت‌الاسلام حسین ایزدی / مدیر اندیشکده فردا

درنگی در ابعاد فرهنگی ـ اجتماعی تعطیلی شنبه

وسط این همه مسئله ریز و درشت در کشور از حجاب گرفته تا طوفان‌الاقصی و عملیات اخیر، مسئله تعطیلات شنبه به مسئله‌ای برای بچه‌های جبهه انقلاب تبدیل نشد. دقیقاً همین مقطع جریانی خزنده از غفلت عمومی بهره برد و با تولید محتوا، ذهنیت‌سازی و ادبیات آفرینی کوشید پروژه‌ای را بی‌سروصدا به پیش ببرد، اما موضوع از چه قرار است و چرا باید نسبت به آن حساس شد؟

بنابر رصدی که انجام گرفت، بیشترین تولید محتوا اعم از مقاله، مصاحبه و گزارش درباره ضرورت تعطیلی شنبه‌ها را جریان همراه با روزنامه دنیای اقتصاد و البته با میدان‌داری این روزنامه انجام داد و می‌دانیم دنیای اقتصاد ارگان مطبوعاتی جریان لیبرال در کشور است. پس همین مقدار ایجاب می‌کند کمی با حساسیت مسئله را دنبال کنیم.

دین برای زمان اهمیت ویژه قائل است. اسلام به برخی زمان‌ها نگاه ارزشی دارد که توضیح آن در قالب چند مقاله تفصیلی از زوایای مختلف قابل بحث است. عناوینی چون «شب قدر، روز مبعث، عید غدیر، روز عاشورا، عید فطر، شب جمعه و روز جمعه» نشان از نگاه خاص اسلام به برخی از زمان‌ها و جانمایی خاص آن در زندگی انسان مسلمان دارد. در اسلام نسبت به هریک از این زمان‌های خاص روایات فراوان درباره ارزش‌گذاری، اهمیت، اعمال، جایگاه و آداب و ادعیه آن وارد شده‌است.

اساساً اسلام یکی از عناصر تنظیم‌گر در سبک زندگی اسلامی را زمان می‌داند. توجه به ساعات خاص، روزهای هفته، روزهای خاص در ماه، روزهای خاص در سال همه گویای نوع نگرش اسلام به مقوله زمان است.

زمان محور تنظیم‌گری رفتار فردی، اجتماعی و عبادی انسان است. ظرف زمان یکی از بسترهای پدیدآمدن غم و شادی انسان مسلمان است. عید و عزا و حزن و فرح و حتی تفریح و استراحت و عبادت همه بر مدار زمان تنظیم می‌شود. پس زمان امری مهم است.

تجربه زیسته نشان می‌دهد هنگامی که دو روز تعطیل است، به طور طبیعی روز دوم به عنوان روز اصلی تعطیل قلمداد می‌شود. چه اینکه امروزه در تهران روزهای پنج‌شنبه تعطیل است و مردم از آن به‌عنوان روز کارهای عقب‌مانده استفاده می‌کنند و جمعه را تعطیل به‌معنای استراحت و تفریح به شمار می‌آورند. چهره عمومی شهر نیز جمعه را به عنوان روز تعطیل نشان می‌دهد.

تحولات فرهنگی هیچ‌گاه یک‌شبه رخ نمی‌دهد. ذهنیت اجتماعی آرام‌آرام شکل می‌گیرد. به امروز که ذهنیت عمومی جمعه را روز تعطیل می‌داند نگاه نکنید. تعطیلی شنبه به‌مرور زمان و طی یک دهه آینده موجب خواهد شد ذهنیت اجتماعی جمعه را از مدار و محور بودن تعطیلات خارج کند و جمعه نقشی را در زندگی بیابد که امروز پنج‌شنبه به‌عنوان روز نیمه‌کاری و کم‌کار هفته انجام می‌دهد.

جایگاه جمعه در فرهنگ اسلامی اما جایگاه خطیری است. در اسلام جمعه محور بخشی از اعمال عبادی فردی و اجتماعی، رسیدگی‌های فردی و دینی به شمار آمده‌است. از صبح جمعه که با دعای ندبه و انتظار ظهور آغاز می‌شود تا ظهر جمعه که محل اجتماع مسلمین در نماز جمعه است. تا دهها آداب فردی که برای جمعه تصویر شده‌است.

جمعه روز خاص و نماد اسلام است و به نوعی از شعائر اسلامی شناخته می‌شود. در برابر شنبه که نماد یهود است و یک‌شنبه که نماد مسیحیت است. ما نسبت به بعد نمادین روزها غفلت داریم.

بعد نمادین دین یکی از عناصر هویت‌سازی دینی است. عنصر هویت‌ساز مرز شما با غیر شما و دیگری شما را تعیین می‌کند، اما غفلت از آن موجب درهم آمیختگی فرهنگی، هویت‌زدایی و عدم تشخص آن جامعه می‌گردد. ظاهر استدلال برای تعطیلی شنبه‌ها خیلی روشن و در نگاه ابتدایی مقبول است. باید برای تجارت خارجی خود را با ایامی که جهان در حال کار است، هماهنگ باشیم، اما نکته این است که مسئله را نباید سطحی دید.

مسئله فقط تعطیلی یک روز نیست، مسئله تغییر نظم اجتماعی است. نظم اجتماعی باید بر اساس یک منطق روشن تنظیم شود. تعطیلی شنبه‌ها یعنی محوریت نظم اجتماعی بر اساس منطق اقتصادی اما تعطیلی جنبه تنظیم نظم اجتماعی براساس منطق فرهنگی است. اسلام برای حیات انسانی ارزش ویژه بر مدار حیات طیبه قائل است و نظم اجتماعی را نیز براین مدار سامان می‌دهد. (این بخش نیازمند توضیح و تبیین فنی و براساس روح شریعت است.)

در نامه اخیر اتاق بازرگانی ایران خطاب به مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم تعطیلی شنبه‌ها این است:

«اثربخشی اقدامات دولت برای افزایش ارتباط با سایر کشورهای بلوک شرق و غرب و توسعه روابط تجاری و اقتصادی، در گرو پذیرش هر چه بیشتر استانداردهای اقتصاد جهانی است.»

این استدلال که باید خودمان را با نظم جهانی در حوزه اقتصاد تطبیق دهیم، آشناست. سال‌ها قبل طیفی سخن از جامعه جهانی می‌زدند، اما این جهان، جهانی است که امریکا و غرب محور آن هستند. حرکت به‌سمت استانداردهای مثلاً جهانی یعنی پذیرش گام‌به‌گام نظم غربی در حالی که امروز دنیا در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد در حال عبور از نظم فعلی و تک قطبی است.

تشکیل پیمان‌های مالی و اقتصادی بزرگ چون پیمان شانگهای و بریکس، پیمان‌های مالی دو یا چندجانبه و دلارزدایی همه به‌معنای عبور از نظم موجود است. در چنین دوران عبور از نظم امریکایی سوق دادن کشور به سمت آن نوعی ارتجاع تمدنی است.

تأکید می‌کنم مسائل کلان را نباید اتمیک و نقطه‌ای دید، تعطیلی شنبه‌ها را باید در یک اتمسفر کلان فرهنگی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی تحلیل کرد. پیامدها، روندها، آسیب‌ها و دیگر جوانب باید در این بستر تحلیل و بررسی شود. پس مسئله تنها تعطیلی یک روز نیست، مسئله تحول در رویکرد کلان جامعه، وجهه اجتماعی، پیام پنهان این تصمیم به ناخودآگاه جامعه است.

خبر کوتاه

■ وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: در دولت سیزدهم ۶۷ مرکز جدید دندانپزشکی در بخش دولتی ایجاد شده است.

■ معاون وزارت آموزش و پرورش با اشاره به اینکه ۱۶ طرح حجاب و عفاف در مدارس در حال اجراست، گفت: به فضاهای مناسبی برای شادی دختران و سپری کردن اوقات فراغتشان نیاز داریم.

■ معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران گفت: متکدیان حرفه‌ای پس از شناسایی به دستگاه قضا معرفی می‌شوند.

■ مدیر عامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران از پیگیری برای تغییر قوانین بازدید ایمنی آتش‌نشانان از ساختمان‌ها خبر داد و گفت: بر اساس طرحی که به زودی مجلس ارائه خواهد شد، آتش‌نشانان به عنوان ضابط امکان بازدید ایمنی از ساختمان‌ها و پلمب ساختمان‌های نا ایمن را خواهند داشت.

■ رئیس سازمان آموزش‌وپرورش استثنایی با بیان اینکه جذب معلم در مدارس خاص اوتیسم از بین دانشجویان رشته کودکان استثنایی دانشگاه فرهنگیان انجام می‌شود، گفت: بخش دیگر نیز از طریق آزمون استخدامی و از میان فارغ‌التحصیلان رشته‌های روانشناسی با گرایش کودکان استثنایی جذب می‌شوند.